

بررسی انتقادی مقاله «امام حسین (ع)» در دایرةالمعارف اسلام (EI2) با محوریت بخش افسانه‌های مرتبط با آن امام

روح الله صمدی* و نعمت الله صفری فروشانی^۲

چکیده

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۱

دائرةالمعارف اسلام لیدن را می‌توان از مهم‌ترین نمونه‌های تحول و تخصص‌گرایی در مطالعات اسلامی غرب دانست که جایگاهی برجسته در میان دانشنامه‌های غربی مرتبط با اسلام دارد. در این میان، مقاله «امام حسین (ع)» نوشته لائوراوچاوالیری از مقالات مهم این دائرةالمعارف به‌شمار می‌رود. بخشی از این مقاله با عنوان «افسانه‌ها» به نقل روایت‌هایی می‌پردازد که جنبه‌هایی ویژه از حیات معنوی امام حسین (ع) را باز می‌نمایاند. بررسی این بخش از مقاله نامبرده از آن رو ضروری است که بازتاب مباحث آن تحت عنوان «افسانه‌ها»، نه تنها می‌تواند زمینه‌ساز تلقی غیر واقعی از مبانی ایدئولوژیک تشیع در محافل علمی گردد، بلکه احتمال تقلیل جایگاه پیشوایان دینی در نگاه مخاطب را نیز به دنبال دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که محتوای بخش «افسانه‌ها» در مقاله یاد شده تا چه اندازه از اعتبار علمی برخوردار است و قابلیت نقد و ارزیابی را داراست. یافته‌ها حاکی از آن است که بسیاری از مطالب این بخش مبتنی بر منابع ضعیف و کم ارجاع است؛ موضوعی که می‌تواند متأثر از نقل‌های تکرار شونده و گاه غیر نقادانه برخی گزارش‌های نامعتبر در متون شیعی نیز باشد. کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف اسلام، لائوراوچاوالیری، امام حسین (ع)، افسانه‌های تاریخی، شرق‌شناسی.

۱. * دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، وابسته به

جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان rohalah_samadi@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

۲. عضو هیات علمی مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

nematalah_safarifroshani@miu.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر و حتی با وجود پیشرفت‌های گسترده بشریت، کماکان یکی از راهکارهای حصول دانش، مراجعه به متون دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها^۱ است. به نظر می‌رسد نگارش اینگونه منابع سابقه‌ای دیرین به خود دیده‌است که گفته می‌شود حتی به قرون پیش از میلاد می‌رسد (برای اطلاع بیشتر رک: قرشی، ۱۳۷۵، ص ۲۲-۳۳). در گذر تاریخ و پس از آن که آشنایی و شناخت دین اسلام توسط دانشمندان غرب به صورت علمی از قرن هجدهم میلادی آغاز شد، رشد قابل توجهی در شرق‌شناسی و به‌ویژه اسلام‌پژوهی در آن خطه حاصل آمد که در نهایت منجر به پدید آمدن یکی از بزرگترین، منظم‌ترین و کامل‌ترین دایرةالمعارف‌ها در زمینه موضوعات مرتبط با اسلام با عنوان «دایرةالمعارف اسلام^۲» و در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۶ میلادی گشت.

به رغم بایستگی تحقیق عمیق و منسجم پیرامون زیرساخت‌های اندیشه مستشرقان در رهیافت به اسلام و نیز لزوم آسیب‌شناسی رویکردی پژوهش‌های استشراقی به منظور زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی آموزه‌های اسلامی، مشخصاً مذاقه در زمینه دایرةالمعارف اسلام باید مورد اهتمام دوچندان قرار گیرد. چراکه انتشار این اثر، ستایش غالب مجامع علمی مسلمانان را در پی داشت و عملاً بستری مهم برای آشنایی و گفتگوی غیر خصمانه مذاهب اسلامی در نقاط مختلف جهان برای خود مسلمانان فراهم آورد. به دلیل اهمیت وافر این کتاب اندک اندک، زمینه برای ترجمه همراه با اصلاح و تکمیل هر چه بیشتر از این اثر بزرگ در اقصا نقاط دنیا نظیر مصر، ترکیه، پاکستان و ایران به وجود آمد (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۳). از طرفی به دلیل انتشار همزمان آن در قالب سه زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسوی و رواج آن در کتابخانه‌های اکثر کشورها بیشتر محققان غیر مسلمان که علاقه‌ای به مطالعات اسلامی دارند و به‌ویژه آنان که با زبان‌های رایج در میان مسلمانان آشنا نیستند نیز این کتاب را برای مطالعه برمی‌گزینند (عباسی و آقایی، ۱۳۸۲، ص ۴۸؛ محمودپور، پاییز ۱۴۰۰، ص ۱۰۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۲

1. Encyclopedia

2. The Encyclopedia of Islam, EI

جستاری که در پی آمده درصدد بررسی یکی از مقالات این مجموعه یعنی مقاله «امام حسین(ع)» نوشته خانم دکتر لائورا وچاوالیری با محوریت بخش افسانه‌های ذکر شده در این مقاله خواهد بود. بدین منظور ضروری به نظر می‌رسد که پس از بحث و گفتگو پیرامون چارچوب اصلی مقاله و آشنایی کلی با نویسنده، محتوا، منابع، روش و مبانی این نویسنده پرکار ایتالیایی در این مقاله مورد بررسی و نقد علمی قرار بگیرد. اگرچند این مقاله یکبار در مجموعه «تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام» به فارسی برگردان شده ولیکن مبنای کار نویسندگان مقاله حاضر رجوع به اصل انگلیسی مقاله بوده و حسب نیاز به ترجمه آن استناد داده شده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۳

پیشینه

تدوین نگاه‌های انتقادی بر مقالات و آثار تاریخی مستشرقان امری است که بارها از طرف پژوهشگران تیزبین و نکته‌سنج شاهد آن بوده‌ایم. به طور ویژه در موضوع مقاله پیش‌رو، می‌توان به چند نقد قابل توجه نگاهی افکند. اولین مقاله با عنوان «نقدی بر مقاله امام حسین(ع) در دائرةالمعارف اسلام» عرصه‌های مختلفی از این مدخل را مورد بررسی قرار داده که نگاه تاریخی محض غربی به امامان شیعه، درج مطالب بی‌سند، کلی‌گویی بیش از حد نویسنده و بی‌دقتی در استقصای اطلاعات و تحلیل آن از جمله مواردی است که در این مقاله بدان پرداخته شده لکن بخش افسانه‌های مربوط به امام حسین(ع) مورد توجه قرار نگرفته چه رسد که نقدی بر آن وارد شود. مقاله دیگر که اشاراتی چند به بخش افسانه‌ها داشته، مطالبش تحت عنوان «امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام» دسته‌بندی شده است. نکته مهم اما آن است که این مقاله فقط جنبه توصیفی دارد و این اشارات از عنصر تحلیل و نقد تهی می‌باشند. مقاله سوم در این زمینه که به همت موسسه شیعه‌شناسی و توسط دکتر هدایت‌پناه سامان یافته، در قالب بخشی از کتاب «تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام» مورد توجه علاقمندان به تاریخ اهل‌بیت(ع) قرار گرفته است. به نظر می‌رسد بزرگترین خلایق که می‌توان در این مقاله دید، از قلم افتادگی خواسته یا ناخواسته بخش «افسانه‌ها» و بی‌توجهی به اهمیت این بخش از مدخل نامبرده است. نویسنده این مقاله انتقادی، علی‌رغم تمام ظرافت‌هایی که در اثرش قابل مشاهده است همچون بحث از فضای مسموم

حاکم بر برخی از منابع تاریخی که منجر به پدیدار شدن اخبار ساختگی در آثار محققان اسلامی شده است، به طور شگفت‌انگیزی بخش «افسانه‌ها» در این مدخل را مسکوت رها کرده است. بنابراین به جرات می‌توان گفت که مقالات انتقادی درباره این مدخل هرگز مطالب بخش «افسانه‌ها» را مورد نقد جدی همراه با طول و تفصیل قرار نداده و از این جهت عنوان یادداشت حاضر را تا حدودی باید بی‌پیشینه تلقی کرد. در مجموع بحث از کرامات و معجزات اهل بیت(ع) در نزد والیری و دیگر خاورشناسان مساله‌ای است که از نقطه نظر پژوهشگران مسلمان مورد غفلت قرار گرفته است. تنها اثری که کمابیش بدان پرداخته، مقاله انتقادی دکتر جان احمدی در مجموعه «تصویر حضرت محمد(ص) و حضرت زهرا(س) در دائرةالمعارف اسلام» می‌باشد که اتفاقاً درصد اندکی از مطالب این محقق به اصل جریان افسانه‌های مربوط به حضرت زهرا(س) ارتباط می‌یابد زیرا نویسنده حقیقتاً خود را ملزم به ورود به چنین مباحثی ندانسته و در جریان ارزیابی این گزارش‌ها، موارد مشابه آن را در تاریخ پیش از اسلام برای اثبات آن برشمرده است. بدین ترتیب با بیشترین تسامح ممکن فقط می‌توان رویکرد منبع‌شناختی این مقاله را در این زمینه بسنده و کافی تلقی کرد. امتیاز دیگری که نوشته حاضر بر مقالات پیشین دارد، سعی بر مساله‌محور بودن و دوری از متن‌محوری صرف است که زندگی ماورایی و عرفانی امام حسین(ع) اساس و هدف اصلی این سطور قلمداد می‌گردد و گر نه چه بسا که تاختن مرکب همت در وادی نقد کلیت چنین مقالاتی کاری آسوده و کم‌هزینه‌تر بود.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۴

سیری کوتاه در تولید و گسترش دائرةالمعارف اسلام

به طور کلی درباره این ویرایش سه گانه از دائرةالمعارف اطلاعات فراوانی در محافل و نگاهشده‌های علمی به ثبت رسیده است ولیکن در زمینه سیر تاریخی فرایند تکاملی مقالات این ویرایش‌ها باید نکاتی را متذکر شد. این مجموعه بزرگ، در ویرایش اول خود (۱۹۱۳-۱۹۳۶) حاوی بیش از پنج هزار مقاله در موضوعات مختلف بود. هنوز دو دهه از نشر ویرایش اول این دائرةالمعارف سپری نشده بود که در سال ۱۹۴۸ میلادی و در همایش بیست و یکم خاورشناسان، انتشار ویرایشی جدید از این دائرةالمعارف همراه با انگیزه اصلاح

نقایص و کاستی‌ها به تصویب رسید. حاصل این تصمیم، رشد چشمگیر مقالات در یازده جلد همراه با یک جلد تکمله^۱ آن بود که در میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۲ میلادی به طبع نشر رسید. این البته پایان کار نبود چراکه در سال ۲۰۰۷ میلادی، نگارش ویرایش سوم از این دائرةالمعارف مهم آغاز و تاکنون ادامه یافته‌است. تصمیم بر آن بوده‌است که ویرایش جدید این دائرةالمعارف را سالانه در قالب چهار جزوه دویست صفحه‌ای منتشر سازند (رک: خوش‌دل کاریجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶؛ اسعدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰؛ محمودپور، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۱۸-۱۲۰؛ صفری، ۱۳۹۹، ص ۳۵۹-۳۶۷ و نیز Daniel, 1998, p432, v8).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۵

این مجموعه در این سه نسخه نه تنها از نظر ساختاری و محتوایی بلکه از حیث نگرش معرفت‌شناختی و پارادایمی نیز دستخوش تحول شده‌است. این تغییرات به‌ویژه در مدخل‌های مرتبط با تشیع، که از دیرباز در شرق‌شناسی کلاسیک جایگاه خاص و گاه حاشیه‌ای داشته‌اند، به‌خوبی قابل بررسی‌اند.

در نسخه اول، نگاه مستشرقان عمدتاً پدیدارشناسانه و گاه کاهنده به جریان‌های اسلامی است. تشیع در این پارادایم، بیشتر به‌عنوان یک فرقه اقلیت و منشعب از اسلام سنی دیده می‌شود. مفاهیمی چون «امام»، «المهدی»، و «شیعه» اغلب با تکیه بر منابع اهل سنت و با تفسیرهایی آمیخته به نگاه تطورگرایانه یا حتی شکاکانه توضیح داده می‌شوند. تمامی مولفان مقالات در این ویرایش، اروپایی‌های غیر مسلمان بودند. این مولفان به کوشش و سرپرستی افرادی چون مارتین تئودور هوتسما^۲، ایگناتس گلدزیهر^۳، میخائیل یان دِ خویه^۴ و چند شرق‌شناس دیگر به تدوین مقالات پرداختند. به نظر می‌رسد پارادایم مسلط در «EI^۱»، تاریخی‌سازی انتقادی همراه با فاصله‌گذاری فرهنگی باشد. نویسندگان به‌جای بازنمایی درونی مفاهیم، بیشتر بر تمایزات با سنت‌های غربی یا با جریان غالب اهل سنت تمرکز دارند. نتیجه، مقالاتی است که اغلب فاقد عمق کلامی، تاریخی و فلسفی مذهب شیعه‌اند.

1. Supplement
2. Martijn Theodoor Houtsma,
3. Ignac Goldziher
4. Michael Jan de Goeje

پس از انتشار ویرایش اول، نویسندگان آن‌که به منابع و مطالب جدیدتری دست یافته بودند و همچنین به دلیل انتقادهایی که از سوی مجامع علمی به‌ویژه مسلمانان بر کار آنها می‌شد، ویرایش دوم طرح و تصویب گردید. طرح تدوین دومین تحریر این اثر اما ترکیبی بود از مقالاتی که به قلم برخی از مسلمانان نگارش یافته بود. این مولفان مسلمان به طور مثال در جلد اول ۶۶ نفر، در جلد سوم ۷۶ نفر و در جلد پنجم ۵۳ نفر می‌باشند. اگرچه به طور کلی مولفان این ویرایش از دایرةالمعارف را شخصیت‌های اروپایی، آمریکایی غیر مسلمان، ایرانی، عرب و ترک مسلمان تشکیل می‌دادند که به سرپرستی شرق‌شناسانی همچون ژوزف فرانتس شاخت^۱، برنارد لوئیس^۲، کلیفورد ادmond بسورث^۳ و چند مورد دیگر مقالاتی را نگارش یا اصلاح نمودند. در این نسخه، با افزایش مشارکت پژوهشگران از حوزه‌های متنوع‌تر جغرافیایی و ارتقاء روش‌شناسی‌ها، تلاش شده تا پارادایم غالب به سمت بازنمایی علمی‌تر و نسبتاً منصفانه‌تر حرکت کند. مقالات شیعی، هرچند هنوز تحت تأثیر چارچوب‌های بیرونی غربی‌اند، اما دقیق‌تر، گسترده‌تر و مبتنی بر منابع اولیه شیعی نگاشته شده‌اند. مفاهیمی چون «امامت»، «عصمت»، «اجتهاد»، «تقیه» و «غیبت» در این نسخه بیشتر با در نظر گرفتن نظام درونی شیعه توضیح داده شده‌اند. به‌ویژه با حضور نویسندگانی چون ویلفرد مادلونگ^۴، نگاهی همدلانه‌تر نسبت به تشیع امامی در برخی مقالات دیده می‌شود. با این حال، هنوز نوعی نگاه «از بیرون» و فاصله‌دار در نگارش مقالات غالب است.

سال‌ها پس از اتمام انتشار ویرایش دوم، به زعم برخی از این خاورشناسان، موضوعاتی دیگر که در این دو ویرایش کمتر بدان پرداخته شده بود و از دید مولفان و ویراستاران این دو مجموعه مغفول مانده بود عبارت بود از اسلام قرن بیستم به‌ویژه در مناطق کمتر شناخته شده آسیای جنوب شرقی و صحرای آفریقا و اقلیت‌های مسلمان در سراسر جهان. به همین دلیل تلاش آنان در این مجموعه بر پوشش این خلأ صرف شد که اساساً بنا بر آن گذاشته شده بود

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۶

1. Joseph Franz Schacht
2. Bernard Lewis
3. Clifford Edmund Bosworth
4. Wilfred Madelung

که در طول پانزده سال به اتمام برسد (رک: عدالت نژاد، ۱۳۹۳؛ غضنفری، ۱۳۹۲، ص ۵۶؛ باغستانی و صادقیان هرات، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴؛ لطیفی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). نسخه سوم بیشتر نمایانگر عبور از شرق‌شناسی سنتی و ورود به مرحله‌ای چندصدایی، انتقادی و نزدیک به رویکرد تحلیلی است. در «EI³»، نه‌تنها مقالات شیعی از حجم و دقت بیشتری برخوردار شده‌اند، بلکه سعی شده تا از نویسندگان بومی یا متخصصان دارای درک درونی از سنت شیعی بهره گرفته شود. مداخل این ویرایش، به‌ویژه در موضوعاتی مانند «عاشورا»، «مرجعیت»، «غدیر خم» یا «ولایت فقیه»، با رویکردی تحلیلی‌تر و چندجانبه‌تر نوشته شده‌اند. این نسخه تلاش دارد فاصله معرفتی بین شرق و غرب را کاهش دهد و دیدگاه‌های داخلی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، را در تبیین مفاهیم دینی معتبر بشمارد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۷۷

در این سه گانه به خصوص در ویرایش دوم، هر یک از چهارده معصوم (ع) در مقاله‌هایی مستقل و جداگانه مورد توجه قرار گرفته‌اند که به جایگاه سیاسی و اجتماعی و شرح حال تک‌تک آنان پرداخته‌است. این مقالات به لحاظ مولفان دارای تنوعی درخور توجه هستند به گونه‌ای که موضوعات این بخش میان نزدیک به ده نفر از محققان تقسیم شده، اگرچه برخی چون لائورا وچاوالیری^۱ مسئولیت نگارش چهار مقاله «امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (ع)» را به عهده گرفته و عده‌ای چون ویلفرد مادلونگ فقط نگارش مقاله یکی از این معصومین «امام جواد (ع)» را به انجام رسانده‌است (برای اطلاع بیشتر درباره مولفان رک: منبع پیشین، ص ۴۹-۵۲؛ هدایت‌پناه، ۱۳۸۵؛ جان‌احمدی، ۱۳۸۸). حاصل تلاش این نویسندگان در زمینه تاریخ اهل‌بیت (ع)، مطالبی است که به گفته برخی، حساسیت‌ها و گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ای در مقالات آنان کمترین نقش را ایفا می‌کند به حدی که معصومین (ع) تا حد و اندازه یک فرد عادی تقلیل یافته و گاهی حتی مباحثی غیر منطبق با اعتقادات و مسلمات مذهبی شیعیان مطرح شده‌است (عباسی و آقایی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). معرفی نویسنده‌ی مقاله؛ لائورا وچاوالیری

پروفسور لائورا وچاوالیری (۱۸۹۳-۱۹۸۹ میلادی) از معدود خاورشناسان ایتالیایی بود که به مطالعات اسلامی و شیعی علاقه مفراطی از خود نشان داد. تخصص وی بیشتر در زمینه

1. Laura Veccia Vaglieri

زبان و ادبیات عربی بود که ورودش به حوزه مطالعات تاریخی و تمدنی اسلام را نیز موجب شده بود. والیری به مدت سی سال در دانشگاه ناپل به تدریس زبان عربی و لهجه‌های مختلف آن پرداخت که محل تحصیل وی نیز بود. از آن پس وی تا پایان عمر ریاست بخش مطالعات شرقی این دانشگاه را هم به عهده داشت (Kramer, 1986, p151؛ نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۸۶). این مولف ایتالیایی دارای تالیفات متکثر در موضوعات مختلفی است که به چند مورد از آثار تاریخی او از باب نمونه اشاره می‌گردد: کتاب تاریخ تمدن در مشرق زمین چاپ روم، کتاب اسلام چاپ ناپل، کتاب اسلام از دوران پیامبر(ص) تا قرن شانزدهم میلادی چاپ میلان، کتاب خلفای راشدین و اموی چاپ لندن، مقاله نبرد علی(ع) و معاویه و ظهور خوارج در سالنامه موسسه ناپل، مقاله امام یحیی و یمن در مجله شرق نو، خوارج در عصر عباسی در مجله تتبعات شرقی، مقاله ملاحظاتی درباره نهج البلاغه در کنگره خاورشناسی بین‌المللی و بالغ بر ۳۵ مقاله در دائرةالمعارف اسلام از جمله مدخل سه امام اول شیعه از آثار حائز اهمیت این اسلام‌شناس اروپایی به‌شمار می‌رود (برای اطلاع تفصیلی از آثار والیری رک: العقیقی، ۱۹۶۴م، ص ۴۰۴؛ نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۸۷-۹۱).

به منظور آشنایی با نقش والیری در گسترش اسلام‌شناسی در ایتالیا کافی است به آثار دانشمندان آن خطه درباره اسلام مراجعه نمود و ملاحظه کرد که چگونه بسیاری از این دانشمندان از مقالات و نوشته‌های والیری به‌عنوان منبع مورد مراجعه خود استفاده کرده‌اند. به طور مثال مقاله «فاطمه» وی تاثیر بسیاری در شناسایی اهل بیت رسول خدا(ص) توسط ایتالیایی‌ها داشته‌است (منبع پیشین، ص ۸۱-۸۲). مستشرقانی چون کاتانی (تاریخ‌پژوه ایتالیایی)^۱، ولهاوزن (زبان‌شناس آلمانی)^۲، بوهل (مولف دانمارکی)^۳، وات (اسلام‌شناس

1. Leone Caetani
2. Julius Wellhausen
3. Frants Buhl

اسکاتلندی^۱، دلاویدا (دانشمند یهودی ایتالیایی)^۲، ماسینیون (محقق تاریخ فرانسوی تبار)^۳، دونالدسون (استاد مطالعات دینی در آمریکا)^۴ و موسکاتی (شرق شناس ایتالیایی)^۵ افرادی هستند که والیری از آثار آنان بهره‌های زیادی برده است ولیکن به نظر می‌رسد که این بانوی اسلام پژوه بیشتر از همه تحت تاثیر افکار و اندیشه‌های هنری لامنس^۶ (۱۸۶۲-۱۹۳۷ میلادی) خاورشناس بلژیکی بوده باشد. این اثرپذیری مثلا در مطالب کتاب امویان و تواریخ سیاسی کاملا مشهود افتاده است (منبع پیشین، ۸۴). تکرار اتهامات لامنس مبنی بر عدم هوشمندی و ذکاوت امام علی(ع) در تدبیر امور سیاسی توسط والیری یکی دیگر از وجوه این اثرپذیری آشکار است (احمدی ندوشن، ۱۳۹۰، ص ۶۲). در اهمیت نظریات لامنس در نزد والیری همین بس که وی در مقاله فاطمه(س) نیز علاوه بر استفاده از منابع اصلی چون سیره ابن‌هشام، طبقات ابن‌سعد و غیره، از نظریات لامنس نیز به وفور بهره برده است (نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۹۴). همچنین در مقاله «حسن(ع)» دائرةالمعارف اسلام نیز گویی والیری روگرفتی از مطالب مستشرقانی مانند لامنس را بازگو نموده و غیر از سخنان لامنس عملا چیزی برای عرضه از خود نشان نداده است (هدایت‌پناه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵؛ ولوی و میرزایی مهرآبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲). البته این مساله همیشه صدق نمی‌کند چه والیری در برخی از عرصه‌ها به اندیشه‌های ضد اسلامی و ضد شیعی لامنس تاخته و تعاریف او از امویان را نپذیرفته است. ناگفته نماند که هنری لامنس از جانبداران سرسخت سلسله اموی و از حامیان معاویه و یزید است که با آموزه‌های شیعی مانند عاشورا به شدت مخالفت می‌ورزد (پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۳۲؛ همچنین رک: بدوی، ۱۳۷۵، مدخل «هنری لامنس» ص ۳۵۸).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

1. William Montgomery Watt
2. Giorgio Levi Della Vida
3. Louis Massignon
4. Dwight Martin Donaldson
5. Sabatino Moscati
6. Henri Lammens

نمایی از مدخل امام حسین (ع) در دایرةالمعارف اسلام

پیش از آغاز باید گفت که اولین بار هنری لامنس بود که مقاله‌ای درباره امام حسین (ع) در ویرایش اول از دایرةالمعارف اسلام تدوین نمود که حاوی نظریات کینه‌توزانه‌اش درباره پیشوایان شیعه (ع) بود. این نظریات نظیر ضعف شخصیتی امام حسین (ع) در طول زندگی‌اش (Lammens, 1927, v2, p339)، سرانجام در اندیشه والیری نیز تاثیر نهاد تا چنین اظهار کند که حسین (ع) چه در دوران پدرش و چه پس از آن در مقام یک شخصیت مطرح ظاهر نشد (Vaglieri, 1986, v3, p607). با این حال به نظر می‌رسد مقاله «حسین بن علی بن ابی طالب» از والیری، طولانی‌ترین مقاله از امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام باشد. نقطه عطف این تحقیق، واری عرصه‌های گوناگون از زندگی امام (ع)، ارجاعات فراوان و از جمله تتبع قابل ستایش نویسنده در میان تعدادی از منابع مختلف شیعی است که در مقایسه با دیگر تحقیقات خاورشناسان از اینگونه وجوه مثبت برخوردار است. برخی از عناوین مباحثی که لائورا وچاوالیری در این مقاله کار کرده عبارت است از: کودکی و نوجوانی امام حسین، مرگ معاویه، رد بیعت با یزید و عواقب آن، دعوت کوفیان و ماموریت مسلم بن عقیل، عزیمت امام به کوفه، واقعه کربلا، حوادث پس از کربلا، معجزات و کرامات امام حسین و قضاوت‌ها درباره حسین. از نکات برجسته محتوایی این مقاله آن است که نویسنده واقعه کربلا و حوادث پیش و پس آن را به شکلی مبسوط شرح داده است. وی صحنه‌های واقعه مثل اسامی چند منزل در مسیر مکه به کوفه، مواجهه امام با سپاه حر بن یزید ریاحی، اوضاع کوفه همزمان با عزیمت امام به آنجا، مذاکرات با عمر بن سعد، سخنرانی امام در دم صبح روز عاشورا، برگزاری نماز جماعت ظهر، کشته شدن یاران امام، به میدان رفتن خانواده امام، جنگ تن به تن امام، شهادت امام و غارت خیمه‌ها را از آغاز تا پایان جزء به جزء نقل کرده است. والیری درباره دیدگاه شیعیان پیرامون امام حسین (ع) و قیام او نیز به طور گسترده بحث و گفتگو کرده است و علاوه بر گزارش ویژگی‌های شخصیتی امام، تحلیل فرقه‌های شیعی را از قیام کربلا بیان می‌دارد (برای اطلاع بیشتر رک: Vaglieri, 1986, v3, p607-615؛ عباسی و آقایی، ۱۳۸۲).

هر چند بیشتر مقالات وی در منابع اسلام‌شناسی، شرح حال و اصطلاحا تراجم هستند،

اما شیوه والیری در این مقالات نقل صرف داستان و تاریخ نگاری بسیط نبوده است بلکه در عمده موارد شمه‌ای از تحلیل و بررسی علمی قابل رویت است کما اینکه خود در یکی از مقالاتش به پایبند بودن به این روش انتقادی و تحلیلی اذعان می‌کند (Vaglieri, 1986, 719-73, p15؛ نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۸۲).

بایسته تذکار است که والیری در فضای فکری و علمی مغرب زمین تحصیل و مقالاتش و به‌ویژه مقاله «حسین بن علی» را تحت تاثیر همان فضا تدوین نموده که بیش از اندازه از متدولوژی مکانیکی یا آنچه «روش علمی تاریخ» عنوان می‌شود، تاثیر پذیرفته است (هدایت‌پناه، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷).

علی‌رغم تلاش‌های والیری در مقاله «حسین بن علی» بر وفاداری نسبت به مبانی و روش علمی تاریخ، به نظر می‌رسد وی به میزان قابل توجهی در این امر ناکام بوده است. این مساله بدلیل آن است که وی در گزینش صحیح از اخبار متناقض مسیر درستی را در پیش نگرفته و در برخی موارد به اخبار و گزاره‌های جعلی در جهت اثبات مدعیات خود چنگ زده است. حتی به عقیده برخی پژوهشگران مسلمان، این مقاله از جمله مقالات ضعیف و کم‌عمق مستشرقان به‌شمار می‌رود که از استانداردهای علمی چندان بالایی برخوردار نیست (منبع پیشین؛ بیات و عسکر، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰).

۱. بررسی و نقد بخش افسانه‌های مقاله

۱-۱. محتوا

والیری این بخش را با یک بینش رویکردشناسانه آغاز نموده است. به عقیده وی این افسانه‌های مربوط به امام حسین(ع) را می‌توان در سه بخش جای داد. بخش اول آن به اعتقاداتی اختصاص دارد که در آن‌ها عنصر خلقت پیشینی و پیدایش عالم وجود بیشترین نقش را دارد. به طور مثال، در منابع آمده است که هفت هزار سال پیش از خلقت جهان پنج تن آل عبا، اشباحی از نور بوده‌اند که خداوند را در عرش ستایش می‌کردند. البته به عقیده والیری، این اعتقادات که پیش از اسلام نیز درباره دیگران وجود داشت را غلات شیعه در اسلام بسط و گسترش دادند (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۷؛ Madelung, 1997, v4, 157).

(Buhl & Roded, 2000, v10, p854-855؛ p198-206).

بخش دوم را به ویژگی‌هایی اختصاص داده که عنوان «معاد شناختی» را برای آن برگزیده است. مثلاً به عقیده برخی، امام حسین(ع) به کوه رضوی رفت که در آنجا تاقیام امام مهدی(ع) بر تختی از نور و در احاطه پیامبران و پیروان راستین باقی بماند و سپس به کربلا خواهد رفت و در آنجا با تمامی بشریت و موجودات آسمانی ملاقات خواهد کرد. والیری این دسته از اعتقادات را بی‌ارتباط با آموزه‌های فرقه شیعی مغیره نمی‌داند (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۹).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۸۲

در بخش پایانی نیز به شخصیت تاریخی اما محفوف در هاله‌ای از تقدس و اعجاز امام حسین(ع) اشاره دارد که برتر از انسان‌های عادی است و به گفته نویسنده بیشتر اعتقادات افسانه‌ای از همین نوع سوم هستند. وی معجزات این بخش را به صورت تفصیلی در چند مورد ذکر کرده که ولادت امام حسین(ع) سه ماه زودتر از موعد (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۵۰)، پیام تبریک و تسلیت خداوند به مناسبت ولادت او خطاب به پیامبر(ص) (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۷۴)، تاریک شدن هوا و نمایان گشتن ستارگان در هنگامه جنگ کربلا (بلادری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۲)، بارش خون از آسمان در این هنگام (أمین العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹)، نوحه سرایی اجنه و گریه و سوگواری فرشتگان زمانی که سر امام حسین(ع) را به شام می‌بردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۶۱-۶۳)، اعطای مقداری از خاک کربلا توسط جبرئیل به پیامبر(ص) (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۲، ص ۱۲۶)، شیشه خونی که در خواب در دستان پیامبر(ص) دیده بودند و از شهادت امام حسین(ع) حکایت داشت (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰۰)، تابش ستونی از نور بر سر بریده امام حسین(ع) از آسمان در خانه خولی (طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۵۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۶۱)، مجازات دنیوی مانند دیوانگی، فقر، جذام، ریزش مو و... برای کسانی که به امام حسین(ع) اهانت کردند و او را مجروح ساختند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۵۷؛ Honigmann, 1997, v4, p637-639)، شفای بیماران مثل از بین بردن عارضه لکه سفیدی که بر صورت یک زن ایجاد شده بود توسط

دمیدن بر آن (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۷)، پرتاب تیری از جانب امام حسین (ع) که باعث جوشیدن آب از زمین شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۵۰)، پیش‌بینی‌های امام حسین (ع) نظیر آنکه می‌دانست سر او را نزد ابن زیاد خواهند برد و نیز حامل آن هیچ پاداشی نخواهد گرفت (طبری الصغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۲)، گریه زکریا بر ذکر مصیبتی که جبرئیل برای وی از امام حسین (ع) انجام داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۴) و بسیاری موارد دیگر را می‌توان نام برد (برای آگاهی از کلیه موارد نامبرده رک: Vaglieri, 1986, v3, p612-614 و ترجمه آن: هدایت‌پناه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷-۱۷۶).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۸۳

۱-۲. گونه‌شناسی منابع در بخش «افسانه‌ها»

والیری از آن دسته از نویسندگان متبحری است که در یادداشت‌هایش تمام سعی و تلاش خود را بر استفاده و ضبط منابع مختلف با رویکردهای متعدد صرف می‌کند به همین دلیل برای سهولت در راستای ادامه بحث ضروری به نظر می‌رسد قسمتی از نوشتار پیش‌رو را به منبع‌شناسی این مقاله در سه بخش اختصاص دهیم.

۱-۲-۱. منابع شیعی

این قسمت در دو بخش ترتیب داده شده که عنصر زمان ملاک این تقسیم‌بندی قرار گرفته است.

۱-۲-۱-۱. منابع شیعی متقدم

اولین منبع که در این بخش می‌توان بدان اشاره کرد، کتاب «دلایل الإمامة» منسوب به محمد بن جریر بن رستم آملی (متوفای نیمه دوم قرن ۳ هجری قمری) می‌باشد. اگرچه تاریخ‌نگارانی مانند ابن شهر آشوب و ابن طاووس این کتاب را به ابن رستم طبری نسبت داده‌اند لکن برابر پژوهش‌های صورت گرفته توسط برخی از محققین معاصر، این انتساب‌ها چندان محکم و استوار به نظر نمی‌رسد (انصاری قمی، ۱۳۸۶، ص ۵؛ پاکتچی، ۱۳۹۹، مدخل «ابن رستم طبری»). محتوای این کتاب نیز به دلیل دربرداشتن روایات غیر عادی در سبک داستان‌سرایی و قصه‌گویی و بعضاً گزارشات ساختگی مثل مشخصات کامل یاران امام

مهدی(ع) در هنگامه ظهور از قبیل نام پدر، قبیله، محل جغرافیایی آنان و دیگر موارد قابل بحث همواره مورد نقادی قرار گرفته است (رک: صفری فروشانی، ۱۳۸۴)

والیری از کتاب «دلایل الإمامة» استفاده شایانی برده است. این خاورشناس ایتالیایی در بخش افسانه‌ها مجموعاً ۱۳ مرتبه به این کتاب ارجاع داده است. این ارجاعات، ۶ بار در بخش «معجزات مربوط به تولد و دوران کودکی حسین(ع)»، ۱ بار در بخش «معجزات مربوط به وفات حسین(ع)»، ۱ بار در بخش «معجزات مربوط به سر بریده»، ۴ بار در بخش «ویژگی‌های فوق طبیعی حسین(ع) که معجزاتی را سبب شد» و ۱ بار در بخش «اسامی و القاب حسین(ع)» به ثبت رسیده است (Vaglieri, 1986, v3, p612-613).

یک نکته مهم قابل ذکر است و آن اینکه روایات این بخش عمدتاً بدون سند ذکر شده که بنا به عقیده برخی، امکان دارد روایات بدون سند در این کتاب جنجال برانگیز اضافات نویسنده دیگری بوده باشد. شخصی که در ابتدای قرن پنجم می زیسته است (سلطانی فر و رنجبر، ۱۳۹۶، ص ۸۴). به این مطلب باید افزود که حتی روایات مشابه با موارد فوق که در سایر کتب همراه با سند آمده نیز دارای راویان مجهول، غیر قابل اعتماد و ضعیف نظیر احمد بن یحیی بن زکریا القطان، بکر بن عبدالله بن حبیب، تمیم بن عبدالله بن بهلول الرازی، علی بن حسان الهاشمی، عبدالرحمان بن کثیر الهاشمی (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۵)، عبدالله بن صباح المزنی، ابراهیم بن شعیب بن میثم التمار (صدوق، ۱۳۷۶ق، ص ۱۳۷)، عبدالرحمن بن عمرو الأوزاعی، لبابة أم الفضل (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۹)، موسی بن سعدان الحنات، عبدالله بن القاسم بن الحارث الحضرمی البطل (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۰) می باشند. بنابراین منقولات منسوب به نویسنده مجهول الهوية این کتاب علی رغم اهمیت و قدمت آن، خالی از ایراد و ابهام نیست.

منبع دوم که در این بخش از مقاله والیری مورد استفاده نویسنده قرار گرفته، کتاب الارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳ق) است. وی در شش بخش از مقاله یعنی دو مورد در بخش «معجزات مربوط به وفات امام(ع)»، دو مورد در بخش «ویژگی‌های فوق طبیعی امام(ع) که معجزاتی را سبب شد»، یک مورد در بخش «اسامی و القاب امام(ع)» و یک مورد نیز در بخش «آیاتی از قرآن که شیعیان آنها را اشاره به حسین(ع) می دانند» از روایات و مطالب این کتاب کهن

تاریخی بهره برده است.

لازم به ذکر است که برخی از این روایات مانند نقل شیخ مفید از سعد بن طریف الإسکاف (متوفی قبل از ۱۴۸ق) (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۲) و نقل دیگر از ام سلمه، اصطلاحاً منقطع و یا برخی دارای راویان مجهول (همان) و ضعیف مثل سالم بن ابی حفصه العجلی (همان؛ واسعی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۴) می باشند. البته هدف اساسی از نقد این نقل ها، نه صرفاً نقد اصل منابع بلکه بیشتر توجه دادن به این نکته است که در بخش «افسانه ها» توجه والیری عمدتاً به روایاتی بوده که از خلل و خدشه مبرا نیست؛ بنابراین روایات مزبور باید بیشتر مورد التفات قرار گیرد.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۸۵

منبع دیگری که والیری بدان ارجاع داده، کتاب مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) است. این کتاب ژرف در بخش «افسانه ها» بیشترین ارجاعات را به خود اختصاص داده است. این ارجاعات بالغ بر ۲۷ مورد می باشد که در این میان بخش «معجزات مربوط به تولد و دوران کودکی امام (ع)» با ۱۳ مورد و بخش های «معجزات مربوط به وفات او» و «ویژگی های فوق طبیعی امام که معجزاتی را سبب شد» هر کدام با ۵ مورد بیشترین این روایات را در بر می گیرند.

اینجا نیز این نکته گوشزد می گردد که تعدادی از این روایات بدون سند و یا به صورت مرسل ذکر شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۵ و ۷۵). غیر مستند بودن روایات این کتاب البته یقیناً نمی تواند به واسطه شهرت راویان جبران گردد کما اینکه خود در ابتدای کتاب بدین مساله اذعان داشت (همان، ج ۱، ص ۱۳). از طرفی حذف تعددی سند روایات راه را بر سنجش راویان آن مسدود ساخته به ویژه مخاطبینی که سال ها پس از وی بدان کتاب بدون اطلاع از قرآنی که متقدمان را به صحت اخبار مطمئن می ساخت، دسترسی می یابند (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۱۸). تعداد دیگری از روایات نیز که مستند هستند، دارای راویانی چونان ایوب بن اعین کوفی و قابوس بن ابی ظبیان کوفی است که گفته می شود مجهول یا ضعیف (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۵۱ و ۸۱؛ ابن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۷۲) می باشند. این روایات بعضاً برای اولین بار در همین کتاب نقل شده اند و پیش از آن در اثر دیگری یافت نمی شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۶۰).

۱-۲-۱-۲. منابع شیعی متاخر

به نظر می‌رسد شاخص‌ترین کتابی که در این بخش باید نامی از آن برد، کتاب «اعیان الشیعة» اثر ارزشمند علامه سید محسن امین عاملی (م۱۳۷۱ق) است که در بخش «معجزات مربوط به تولد و دوران کودکی امام» ۲ مورد ارجاع، بخش «معجزات مربوط به وفات او» ۱۴ مورد و بخش «معجزات کسانی که به امام اهانت کردند و او را مجروح ساختند» ۱ مورد قابل ردیابی است.

از نکات مهم که باید مورد توجه قرار گیرد، ذکر دو کتاب دیگر از منابع شیعی متاخر توسط والیری است که عبارتند از: بحار الأنوار علامه محمد باقر مجلسی (م۱۱۱۰ق) و معالی السبطين محمد مهدی حائری مازندرانی (م۱۳۸۵ق). اولی والیری برای آگاهی بیشتر مخاطب مقاله، به ذکر اسامی این دو کتاب بسنده نموده و از ذکر دقیق آدرس‌های مربوط به این دو اثر خودداری کرده است. ثانیاً از آنجایی که مطالب کتاب معالی السبطين رانحه‌هایی از تحریف را به مشام می‌رساند، تعدادی از محققان نسبت به این ویژگی کتاب از خود واکنش‌هایی نشان دادند (برای اطلاع بیشتر رک: آلاندوزلی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰؛ فاطمی، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۴). اساساً مولف این کتاب خود را ملزم به این نمی‌داند که سخنانش را از کتاب‌ها نقل کند و یا منبع و ماخذ حرفش را اگرچه با اشاراتی مختصر یادآوری نماید (صحتی سردودی، ۱۳۸۵، ص ۸۳) از طرفی برخی از مطالب کتاب دیگر یعنی بحار الأنوار نیز خالی از ایراد و کم و کاست نیست و باید دستمایه نقد و پالایش قرار گیرد.

۱-۲-۲. منابع اهل سنت

در متن بخش «افسانه‌ها» به آثاری از علمای اهل سنت برمی‌خوریم که اینک به معرفی این منابع خواهیم پرداخت. اولین اثر از این دست منابع، کتاب «انساب الأشراف» احمد بن یحیی بلاذری (م۲۷۹ق) است. نویسنده مقاله «حسین بن علی» در دائرةالمعارف اسلام سه روایت از محتوای بخش «معجزات مربوط به وفات امام حسین(ع)» را به منبع نامبرده مستند می‌سازد که دربرگیرنده روایات مرتبط با تاریک شدن هوا و جاری شدن خون از آسمان و از زیر سنگ‌ها است. به نظر می‌رسد روایات این‌چنینی که در کتاب «انساب الأشراف» آمده،

همواره بحث و مناقشه‌هایی را به همراه داشته که حاصل آن، عدم قطعیت صحت و سلامت گزارشات بلاذری در این بخش از کتابش بوده است (جهت آگاهی در این زمینه رک: جعفریان، ۱۳۹۷، ص ۷۳۱؛ رفعت و رحمان ستایش، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

یکی از منابعی که والیری در بخش «افسانه‌ها» در مقاله «امام حسین (ع)» دائرةالمعارف اسلام بدان ارجاع داده است، کتاب «تاریخ الرسل و الملوک» محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) است. والیری در سه بخش از اطلاعات مربوط به «افسانه‌ها» یعنی «معجزات مربوط به وفات امام حسین»، «معجزات مربوط به سر بریده» و «معجزات کسانی که به حسین (ع) اهانت کردند و او را مجروح ساختند» به کتاب تاریخ طبری استناد کرده که در مورد سوم بر خلاف دو مورد قبل آدرس دقیقی از منبع مورد نظر ارائه نمی‌کند (Vaglieri, 1986, v3, p613). نکته قابل توجه آنکه نویسنده در مورد اول ادعا کرده که بر اساس روایت طبری شخصی ناشناس که همه صدایش را شنیدند اما او را ندیدند، در شب قبل از جنگ (کربلا) آیاتی تهدید آمیز تلاوت می‌کرد که طبق بررسی‌های نویسندگان این مقاله به نظر می‌رسد به رغم تایید وجود اصل حکایت درباره ندای منادی در شب شهادت امام (ع) در منبع نامبرده، باید گفت روایت طبری حاکی از خواندن اشعار تهدید آمیز بوده نه آیات تهدید آمیز! ضمن آنکه بنا بر نقل طبری، بانگ این منادی توسط یکی از غلامان عمرو بن عکرمة و عمر بن حیزوم کلبی شنیده شده است. بسیار حیرت‌آور است که والیری این مساله را دست کم با استناد به طبری، به تمام مردم تعمیم داده و نامی از این دو شخص نیاورده است (طبری، بی تا، ج ۵، ص ۴۶۷). ناگفته نماند که در منابع مختلف اطلاعات قابل اعتنایی درباره افراد مزبور در روایت طبری یافت نمی‌شود؛ به طور مثال از «ابن حیزوم کلبی» در کتبی مثل تاریخ طبری و یا برخی مقاتل مثل مقتل ابومخنف فقط همین یک روایت نقل شده است (ابومخنف، ۱۳۶۷، ص ۲۷۵). مورد دوم از منقولات طبری نیز که از ساطع شدن نور از زیر گلدان (محل سر مبارک امام (ع) در خانه خولی) حکایت می‌کند، در مقاتل متقدم مانند مقتل ابومخنف (نسخه‌ای که در اختیار نویسندگان این مقاله می‌باشد) عینا ذکر نشده است (همان، ص ۲۵۸).

اثر دیگری که در میان منابع اهل سنت این بخش از مقاله والیری به چشم می‌خورد، کتاب

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

«البدایة و النهایة» از ابوالفداء بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق) است. والیری هشت مورد از روایات نقل شده در بخش «افسانه‌ها» را به این کتاب ارجاع داده است که تمامی این هشت مورد در «معجزات مربوط به وفات امام حسین(ع)» جای دارد. نکته عجیب در استناددهی والیری به این اثر آن است که ابن کثیر اساساً منکر بسیاری از حوادث محیرالعقول یا به گفته والیری «افسانه» بوده و این گزارش‌ها را محصول دروغ پراکنی و جعل آشکار شیعیان (به تعبیر ابن کثیر، رافضیان) دانسته است؛ دیدگاه متعصبانه‌ای که والیری نیز تلویحاً در این بخش از مقاله‌اش بدان دامن زده و با توجه به گزینش عنوان این بخش توسط نویسنده یعنی «افسانه‌ها» احتمال همراهی و تطابق اندیشه‌های او با اندیشه‌های شیعه ستیزانه ابن کثیر بیش از پیش تقویت می‌گردد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰۲؛ رنجبر، ۱۴۰۰، ص ۷۱-۷۲). به طور کلی یکی از مشکلات اساسی تاریخ نگاری ابن کثیر در این کتاب همین معیارهای دوگانه‌ای است که موجب شده گاهی از معیارهای مقبول خود تخطی کرده و معیار دیگری را اعمال کند (میرجانی و صفری فروشانی، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

آخرین اثری که والیری در این مقاله بدان استناد کرده، کتاب «کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال» نوشته علاء الدین متقی هندی (م ۹۷۵ق) می‌باشد. این خاورشناس اروپایی، در لابلای گزارش‌های مربوط به خون امام حسین(ع) که در سال‌ها در اختیار پیامبر(ص) بود و او به همسرش ام سلمة داده بود، اشاره‌ای به این کتاب کرده ولی آدرس دقیقی از یکایک این گزارش‌ها را متذکر نشده است. گزاره‌های این کتاب شاید بیشتر از دیگر آثار این بخش نیاز به چکش‌کاری علمی و واکاوی انتقادی داشته باشد به خصوص که در کنار چندین نکته انتقادی دیگر از این کتاب، نقل روایات ضعیف‌السند و تخریج احادیث از مصادر غیر معتبر مهم‌ترین ایرادات وارد شده بر مطالب این کتاب بوده است (موحدنیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶).

۳-۲-۱. منابع مستشرقان

والیری همچنین به سه مقاله در دائرةالمعارف نیز توجه نموده و در بخش «افسانه‌ها» اسامی آن‌ها را بیان کرده است. دو مقاله از آن‌ها یعنی مقاله «ام‌الکتاب» نوشته فرانتس بوهل

و راث رودد^۱ و مقاله «اسماعیلیه» نوشته ویلفرد مادلونگ در بخش مقدماتی و دیگری یعنی مقاله «کربلا» نوشته ارنست هانیگمن^۲ در بخش «معجزات کسانی که به حسین (ع) اهانت کردند و او را مجروح ساختند» درج شده است.

۱-۲-۳-۱. میناشناسی والیری در بخش «افسانه‌های مربوط به امام حسین»

اگر چنانچه مبنای هر چیزی را به معنی بنیان، اساس و پایه آن مدّ نظر بگیریم که یک نظر، باور و غیره بر آن نهاده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۲-۱۳۷۳، ماده «مبنا»؛ عمید، ۱۳۶۴، ص ۱۷۴۸؛ هورنبی^۳، ۱۹۸۷م، ص ۳۴۱؛ همچنین رک: منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱، ص ۱۱)، مبانی فکری والیری که به‌ویژه در مقاله مورد بحث تاثیرگذار واقع شده و روش وی را می‌توان در نکاتی چند خلاصه نمود:

۱-۳-۱. استنادات فراوان به منابع غیر معتبر

همانگونه که گذشت، گزارش‌های متکثری از منابع تاریخی و حدیثی شیعه در بخش «افسانه‌ها» در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است که عمده آن از آثار غیر قابل اعتماد شیعه به‌شمار می‌رود. لائورا وچاوالیری برای اینکه بتواند این بخش را به خوبی به ثمر برساند، اولین راهکار خود را در کندوکاو مطالب مرتبط، لابلای منابع ضعیف‌تر شیعی می‌بیند؛ زیرا در منابع معتنابه شیعی به مراتب مطالب کمتری از این قبیل به دست می‌آید. برخی از این آثار همچون دلائل الإمامه منسوب به ابن رستم طبری که اساساً با ماموریت موضوعی اثبات امامت ائمه (ع) در کنار نص با استفاده از معجزات و کرامات ایشان به نگارش درآمد (بهرامیان و حسینی قمصری، ۱۳۹۲، ص ۳۷)، در آغاز چندان مورد توجه دانشمندان و متکلمان عقل‌گرای شیعی قرار نگرفت ولیکن با گذشت زمان و وجود عوامل دیگری که مزید بر علت شد، این رویکرد با شدت بیشتری از سوی علمای شیعه پی گرفته شد؛ به گونه‌ای که اکثر کتبی که از قرون سوم و چهارم هجری به بعد نگارش یافتند، از نگاه ویژه نویسندگان این

1. Ruth Roded
2. Ernst Honigmann
3. Albert Sidney Hornby

دسته از آثار تاثیر پذیرفته بودند. به‌عنوان نمونه، تمایل عمومی شیعه به سوی درک انسان کامل پس از آغاز عصر غیبت که محمل مناسبی برای تشدید فعالیت‌های پیگیرانه جریان‌های غالب‌گیری قرار گرفت (جان‌احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲)، تلاش محدثان شیعه برای مقابله با تبلیغات سوء گروه‌ها و فرقی دیگر از راه نقل بدون نقد هر چه بیشتر روایات مربوط به معجزات و کرامات امامان(ع) (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲) و همچنین رشد اخباریگری پس از قرن یازدهم هجری را می‌توان مواردی چند از همین دست عوامل تاثیرگذار دانست (صفری فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۲۴).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۹۰

نمود این جریان‌ها نامبارک را می‌توان در نفوذ برخی از آموزه‌های غیر اصیل شیعی به درون منابع و متون کلامی و تاریخی که نقطه اوج آن را در مخلوط شدن مطالب مربوط به ایدئولوژی شیعی با دسته‌ای از اعتقادات کهن یا نوظهور غالیان مشاهده نمود. شگفت آنکه حتی نویسنده مقاله در ابتدای بخش «افسانه‌ها» خود به این مساله اذعان کرده و می‌گوید: این اعتقادات (معجزات) تحت تاثیر یک نظام ماوراء الطبیعی به وجود آمده‌اند که مدت‌های مدیدی پیش از اسلام وجود داشته و افراطیون شیعی (غلات) آن را بسط و گسترش داده‌اند (Vaglieri, 1986, v3, p612).

وی در بخش دیگری از مطالب ابتدایی بخش «افسانه‌ها» بار دیگر این ادعا را تکرار و تاکید می‌کند: روایات «معادشناختی» احتمالاً مرتبط با اعتقادات فرقه شیعی مغیره می‌باشد؛ فرقه‌ای که بنیان‌گذار آن مغیره بن سعید عجلی (م ۱۱۹ق) بوده است (همان). واکاوی دقیق روایات نقل شده در این بخش به تنهایی برای اثبات این ادعا کافی است که شمه‌ای از آموزه‌های غالی‌گرایانه در این روایات نهفته شده و صحت آن‌ها در مظان تردید و ابهام است یا حداقل مورد تایید همگان قرار نمی‌گیرد. هفت هزار سال پیش از خلقت جهان، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین، «اشباحی» از نور بودند که خداوند می‌خواست صور آنان را بیافریند، ایشان را همچون ستونی از نور ایجاد کرد، سپس آنان را در صلب آدم و از آنجا در صلب و رحم نیاکانشان قرار داد. حسین به کوه رضوی رفت که در آنجا تا قیام مهدی بر تختی از نور باقی خواهد ماند؛ پیامبران او را احاطه کرده، پیروان راستینش پشت سر او خواهند بود؛ آنگاه به کربلا رفت و در آنجا تمام انسان‌ها و موجودات آسمانی او را ملاقات

خواهند کرد. فرشته‌ای که به جزیره‌ای تبعید شده و بال‌هایش شکسته بود، با دیدن گروهی از فرشتگان که رهسپار عرض تبریک ولادت امام حسین(ع) به پیامبر(ص) بودند، از آنان خواست که او را نیز همراه خود ببرند و با مالیدن بال‌های شکسته‌اش به آن نوزاد آن‌ها را مداوا کند (همان). با شهادت امام حسین(ع) اجنه، فرشتگان، درندگان و ماهیان می‌گریستند. کودکی را که فرزند خوانده بود به سخن آورد تا نام واقعی خویش را فاش کند. به کسانی که از او درخواست می‌کردند، امکان می‌داد تا در رویدادهایی که در گذشته در مکان‌های دوردست رخ داده‌اند حاضر شوند. او به سوی آسمان اشاره کرد و گروهی از ملائکه فرود آمدند و آماده جنگیدن برای او بودند، اما ترجیح داد که خود را قربانی سازد؛ او می‌توانست آینده را ببیند و از اسرار آگاه گردد (همان، ص ۶۱۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

حتی اگر نقل‌های این منابع را از اتهام غلو منجر به کفر میرا بدانیم، باز هم خصیصه ساختگی بودن تعدادی از این روایات مثل روایاتی که برای نشر بیشتر جنبه تراژیک و غمبار واقعه عاشورا با افسانه‌هایی آمیخته شده‌اند، امری است که در گفتار بخشی از محققین این حوزه علمی خصوصاً نویسنده این مقاله آمده است (به طور مثال رک: حسینی، ۱۳۸۸، ص ۴۲). والیری در پایان این مقاله می‌نویسد: شاید این تفسیر، تصویر واقعی حسین(ع) به منزله یک فرد نباشد؛ اما همان برداشتی است که نسل بعد از او ارائه کرده‌اند و انگیزه آنان یا احساسی بوده (احترام و احساس ترحم در قبال مرگ وی)، یا سیاسی (مبارزه علیه امویان). این همان برداشتی است که مورخان عرب در دوره‌های بعد نیز در آن سهیم‌اند و باعث تمجید و ستایش حسین(ع) و موجب موقعیت افسانه‌ای او در میان شیعیان شده است (Vaglieri, 1986, v3, p614).

نکته مهم اینکه لائورا وچاوالیری در مقام تحلیل، نسبت به منشا ایجاد و گسترش این روایات به صورت تلویحی مطالبی را ذکر کرده لکن نه تنها از یک دیدگاه نقادانه در مواجهه با این روایات بهره نبرده بلکه این گزارش‌ها را به میزان دیگر آموزه‌های اصیل مذهبی شیعه تلقی به قبول کرده است. والیری در جایی نوشته است: اما مبنای تجلیل و ستایش از حسین(ع) انگیزه‌ها و آرمان‌های اصیلی است که وی خود را در راه آن‌ها قربانی ساخت و البته وضعیت احساس برانگیز دلاوری آموزنده او از این اعتقاد که امامان(ع) تمامی آنچه را بوده و هست

و خواهد بود می‌دانند و نیز علم‌شان با گذشت زمان افزون نمی‌گردد، اینگونه استنباط می‌شود که حسین(ع) از پیش می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظار او و یارانش است؛ بنابراین او با آگاهی از قربانی شدن قریب الوقوعش و در عین حال بدون هیچ گونه تامل یا تلاشی برای فرار از مشیت الهی از مکه عازم کوفه شد (همان).

این نحوه برخورد دوگانه و غیر علمی از جانب والیری فقط به این مقاله از او منحصر نمی‌شود چراکه این خاورشناس نامبردار در مقاله «فاطمه(س)» نیز عملاً تحلیلی مشابه ارائه داده‌است؛ آنجا که می‌نویسد: محقق می‌باید مضامین مزبور (افسانه‌ای) را تفسیر کند و ارتباط آن‌ها را با جزئیات موجود در احادیث و با اندیشه‌های اصیل اسلامی بررسی کند. از نظر ما احتمال دارد همین مورد در اکثر موارد رابطه واقعی از آب درآید حتی اگر مضامین مورد نظر به شکل داستان‌هایی کاملاً تخیلی درآمده باشند (Vaglieri, 1991, v2, p849). به این مورد باید تحلیل والیری در مقاله «حسن(ع)» نیز اشاره کرد که از صراحت بیشتری نسبت به رابطه مستقیم مبانی تشیع با مقولات افسانه‌ای پیرامون امام حسن(ع) برخوردار است (Vaglieri, 1986, v3, p242-243).

به نظر می‌رسد نویسنده ایتالیایی تبار مقاله «حسین(ع)» نسبت به جمع‌آوری روایات منابعی که شوربختانه در گذر زمان اعتبار و مقبولیت عمومی پیدا کرده و در آثار مختلف مرتبط با تاریخ و سیره اهل بیت(ع) بازتاب یافته اهتمام ویژه از خود نشان می‌دهد و بر مبنای همین رویکرد، بر اصل و اساس بُعد عرفانی و ملکوتی معصومین(ع) به ویژه امام حسین(ع) منتقدانه نگریسته‌است بدون آنکه منابع و روایات را در ترازوی نقد و مذاقه روشمند علمی جای دهد. به عبارتی، والیری این منابع مورد مناقشه را همواره به مثابه سخنگویی برای آموزه‌های الهی شیعی پنداشته‌است.

۲-۳-۱. بی‌توجهی به منابع اصیل شیعه

نتیجه تلاش‌های والیری در جمع‌آوری مطالب این بخش، تمسک نویسنده به تعدادی از منابع غیر قابل اتکا و به موازات آن، دوری از منابع دست اول، متقدم، موثق‌تر و مهم‌تر بوده که دسترنج این نویسنده پرکار را در فاصله بسیار زیادی با استانداردهای به روز علمی و

پژوهشی دنیا قرار می‌دهد. والیری در این بخش از مقاله، جز در موارد معدودی، از نظریات علما و متکلمین طراز اول شیعی چون مرحوم کلینی (م ۳۲۹ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و دیگران استفاده نبرده است.

از باب مثال فقط به نمونه‌ای از آن اشاره می‌گردد. والیری در همان آغاز بحث و در بخش گونه‌شناسی افسانه‌های مربوط به امام حسین(ع)، به مقوله خلقت نوری و حیات پیشینی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اشاره کرده (Vaglieri, 1986, v3, p612) در حالی که کمترین توجهی به نظریات برخی از متکلمان نامدار شیعه مبذول نداشته است که دارای نظریات متفاوت‌تر نسبت به این مقوله کلامی هستند. به‌عنوان نمونه شیخ مفید را می‌توان سرآغاز رسمی مخالفت با این موضوع‌ها دانست. حتی گفته می‌شود سید مرتضی حیات پیشینی را یک سره و به طور مطلق مردود اعلام کرده است (برای اطلاع بیشتر رک: توران، ۱۳۹۳، ص ۹).

والیری روایتی را نقل کرده که برابر آن، امام(ع) از پیش می‌دانست که عمر بن سعد فرمانده سپاه دشمن مدت کوتاهی پس از شهادت خودش به هلاکت خواهد رسید و می‌دانست که سر او را نزد ابن زیاد خواهند برد و نیز حامل آن هیچ پاداشی نخواهد گرفت (Vaglieri, 1986, v3, p613). اگرچه به نظر می‌رسد جماعت بسیاری از متکلمان قائل به علم امام(ع) هستند ولیکن بر اساس دیدگاه امثال سید مرتضی مقتضای ادله بیش از این نیست که امام(ع) باید به همه احکام دینی و مسائل مورد نیاز مردم علم داشته باشد ولی دلیلی بر آگاهی امامان از تمامی حوادث گذشته و حال و آینده وجود ندارد. بنابراین امام حسین(ع) به اجمال می‌دانست که سرانجام شهید خواهد شد؛ اما نمی‌دانست که در سال ۶۱ قمری در راه سفر به کوفه این اتفاق رخ خواهد داد، چه برسد به اینکه از اطلاعات جزئی حمل سر مبارکش نیز خبر داشته باشد (علم الهدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ پیشوایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۰).

بایسته گفتن است که هدف از این بخش، طرح مباحث انتقادی نسبت به اصل روایات و گزارش‌ها نیست که هم نفس روایات معجزات و کرامات معصومین(ع) شالوده‌ای قویم و

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

استوار را در اختیار دارند و هم اساسا این مباحث میدانی فراخ‌تر از یک مقاله مختصر می‌طلبند. تنها چیزی که مدّ نظر قرار دارد آن است که این شیعه‌شناس اروپایی، خواسته یا ناخواسته نظریات طیف گسترده‌ای از علمایی را نادیده گرفته‌است که با برخی از ادعاهایش همسویی و همخوانی ندارد بگونه‌ای که چنین تداعی می‌گردد که شیعه بالاتفاق با والیری و نظرات بعضا متعصبانه و وهن‌انگیزش همداستانند و از آنجایی که بعید به نظر می‌رسد که چنین شخصیت اهل تتبع و خبره‌ای از این دیدگاه‌ها بی‌اطلاع بوده باشد، تنها توجیه می‌تواند اهداف غیر علمی مستشرقان نسبت به مسائل دینی و مذهبی اسلام و در جهت مشوه جلوه دادن آن از طریق برجسته‌سازی بیش از اندازه اینگونه مسائل و چشم‌پوشی کردن از دیگر فضائل بی‌شمار و اهداف والای معصومین(ع) به‌ویژه امام حسین(ع) در خدمت‌گذاری به دین اسلام، معرفی شود (برای اطلاع بیشتر درباره اهداف مستشرقان رک: سفیانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۹۴

۳-۳-۱. دو قطبی‌سازی زندگی و سیره امام حسین(ع) به عادی و افسانه‌ای

مطالبی نظیر آنچه والیری در بخش «افسانه‌ها» گردآوری نموده‌است، مضافا بر مقالاتی که در دفاع از این‌گونه رویکردها و در برخی موارد توسط محققان شیعه تدوین می‌گردد، سرانجام به یک چالش غامض علمی منتهی خواهد شد و آن این‌که سیره معصومین(ع) از دو بُعد مجزا تشکیل گردیده‌است. یک بُعد تاریخی که بر اساس برخی از گزاره‌های تاریخی در منابع قدیم و جدید قابل استنباط است و یک بُعد افسانه‌ای که علی‌رغم باورپذیری کمتر ولی به دلیل وجود شواهد متنی (ولو متون ضعیف) باید مورد امعان نظر قرار گیرد. بدین منظور باید به هر دو بخش از سیره معصومین(ع) به صورت کاملا جداگانه همراه با عناوین مشخص و علی‌حده و مشخصا تاکید بر لفظ افسانه برای جلب توجه بیشتر پرداخته شود. سپس در مرحله بعد این مساله نیز باید مورد نظر قرار گیرد که در همان آغاز برای مستند و فنی جلوه دادن تحقیق، حتما از چند منبعی که مورد استفاده است، نام برده شود. این کار تاثیر قابل توجهی در مخاطب در راستای پذیرش مطالب ایجاد خواهد کرد. در پایان نیز مناسب است که تمامی مطالب بند به بند مورد استناد قرار گرفته، پی در پی ارجاع داده شود.

لائورا و چاوالیری این روایات را به گونه‌ای به مخاطب منتقل می‌کند که مخاطب در یک دوراهی دشوار میان پذیرش یا عدم آن قرار می‌گیرد. حسب مستند بودن جزء به جزء این مطالب، خواننده باید نسبت بدان ابهام اندکی داشته باشد ولی در صورت پذیرش گزارشات منقول، سیره معصومین(ع) آسان‌تر از قبل مورد انتقاد قرار می‌گیرد و مذهب تشیع بیش از پیش آسیب پذیرتر خواهد شد. این روش والیری در این مقاله و سایر مقالات وی در حالی قابل رویت است که اساسا سیره عرفانی معصومین(ع) سیره‌ای جدا و منفصل از سیره تاریخی آنان نیست بلکه کاملا در هم تنیده‌اند. به طور مثال، برخی از کرامات و معجزات منقول درباره امام حسین(ع) را باید در راستای همان سیر تاریخی زندگانی وی مورد بحث قرار داد و بر اساس معیارهای مرتبط با آن می‌توان همان معجزات را نقادی علمی کرد که این مهم با پالایش برخی آثار تاریخی که بعضا نقش منابع اصلی تشیع را بازی می‌کنند، میسر می‌گردد. شایان ذکر است که به نظر عدم قابلیت این نویسنده برای درک درست مباحث کلامی و تسلط ناکافی بر انواع جریان‌های تاریخ‌نگاری شیعی را می‌توان از دلایل مختلف این خلط مباحث تلقی نمود.

از طرفی مرزبندی دقیق میان «کلام» و «کلام‌نما» نیز می‌تواند در این مسیر پر پیچ و خم یاری‌رسان مناسبی باشد. آنچه کلام حقیقی است، با استدلال عقلی و گاه نقلی معتبر به نتیجه می‌رسد و نمی‌توان در آن تردید کرد. اما بخشی از آنچه امروزه به‌عنوان آموزه‌های کلامی در دست ماست، حقیقی نیست و شرایط لازم را ندارد (صادقی کاشانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷). بسیاری از مطالب بخش «افسانه‌ها» در مقاله دکتر والیری، باورهایی است که در آثار و کتب رواج یافته و گاهی از آن به‌عنوان آموزه‌های کلامی ذکر کرده‌اند؛ در حالی که با معیارهای دانش کلام مانند دلایل عقلی یا نقلی معتبر ثابت نشده و پشتوانه آن اخبار آحاد یا ضعیف است که در فوق به تفصیل بیان شد. این نکته را نیز باید در راستای تفکیک میان کلام و کلام‌نما اضافه کرد که واقعه کربلاء به هر میزان که عظمت و بزرگی را به یدک بکشد، وجهی برای اطمینان نسبت به تعدادی از روایات اعجاز‌آمیز امام حسین(ع) نخواهد داشت حتی اگر از کثرت گزارشات نیز بهره‌مند باشد چه یکایک این گزارشات باید به صورت دقیق و فارغ از فضای کلامی حاکم بر محققان معاصر کالبدشکافی علمی شود؛ کاری که تاکنون به صورت

مستوفای صورت نگرفته بلکه حتی بالعکس نگاه‌هایی در تایید این مطالب جنجالی به دست آمده است که به مثابه تفکر غالب در میان صاحب‌نظران شیعه و نماینده اصیل فکر شیعی جا افتاده است (برای اطلاع از یک نمونه از دیدگاه‌های مثبت‌گرای شیعی در زمینه معجزات امام حسین(ع) رک: جباری، ۱۳۸۸، ص ۶۷-۱۲۱). یقیناً چنین اقدامات علمی در جهت نقد تعدادی از روایات غیر معتبر که منجر به تصفیه و پالودن میراث مکتوب دینی و مذهبی می‌گردد، مسیر سوء برداشت یا احیاناً سوء استفاده برخی از مستشرقان را مسدود خواهد کرد. این مطالب در گذر زمان و با قرار نگرفتن زیر ذره‌بین نقد و حتی با پشتوانه آثار موید آن، به آیین‌های تمام‌نمای شیعه امامیه تبدیل شده و محققان اروپایی را به سمت و سوی خود کشانیده‌اند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۹۶

در حقیقت حاصل این دو قطبی سازی‌ها و سال‌ها تلاش در دفاع از این عملکرد، ضروری پنداشتن صرف این انگاره‌ها در اثبات امامت امامان شیعه است به گونه‌ای که گاه این آموزه‌ها در اصل ضرورت با اموری چون نص و عصمت رقابت و هم‌آوردی می‌نمایند؛ گاه حتی ضرورتی فراتر از نص و عصمت به خود می‌گیرند و با فقدان‌شان پایه‌های امامت این ذوات مقدسه لرزان و مرتعش پنداشته می‌شود. حال آنکه طبق دیدگاه کلامی امامیه با وجود آنکه نص بر امام و همچنین عصمت او از نظر عقلی واجب است، امثال شیخ مفید می‌گویند ظهور معجزات بر دست امام عقلاً واجب نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۶۸). یعنی امام برای انجام وظائف خود و یا حتی شناخت مردم نسبت به وجود او از لحاظ جنبه اثباتی نیازی به معجزات ندارد (انصاری قمی، ۱۳۹۶، سایت کاتبان^۱). به عبارتی دیگر، از دیدگاه طبقه‌ای از متکلمان برجسته شیعه کارکرد امامت بدون وجود معجزات امکان‌پذیر است. حتی اگر این موهبت الهی امامان(ع) را نیز چون نص از واجبات امر امامت به حساب آوریم باز هم طبق نظر متکلمان شیعه همچون شیخ طوسی، اظهار معجزه در مرحله پس از ظهور نص و عصمت قرار می‌گیرد؛ به تعبیر بهتر، فقط در حالت عدم وجود نص شرایطی پدیدار می‌گردد که بحث معجزات به‌عنوان یک جانشین مطرح می‌شود (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱،

ص ۲۷۶). امید آن است که محققین صاحب صلاحیت شیعه خطر رویکردهای این چینی را بیشتر درک کرده که پیامدی جز فاصله گرفتن از اصول بنیادین کلامی مذهب ندارد و در مقابله با آن اقدام درخور نمایند.

نتیجه

جمع‌آوری روایات حدیثی و تاریخی شیعه که بیشتر بازتاب دهنده جنبه‌های عرفانی و معنوی شخصیت معصومین(ع) هستند، همواره یکی از محورهای اصلی تحقیقات و پژوهش‌های خانم دکتر لائوراوچاوالیری، خاورشناس برجسته ایتالیایی بوده است. وی با وجود تلاش گسترده در بروز چشم‌اندازهای منصفانه در مقالات خود و به دوش کشیدن دیدگاه‌های منتقدانه نسبت به برخی از محققان سلف خود همچون هنری لامنس و ولهاوزن در چند عرصه مختلف، ناگزیر تحت تاثیر تفکرات این اسلام‌شناسان متعصب و شیعه ستیز قرار گرفته است. افزون بر این غفلت برخی از محققان شیعی از کاوش علمی منابع و روایات اهل بیت(ع)، موجب شده تا والیری در مقاله «حسین(ع)» فصلی جداگانه به بررسی گزاره‌های مرتبط با بُعد عرفانی و ملکوتی امام(ع) اختصاص دهد و از واژه «افسانه» برای توصیف مضامین آن استفاده کند. آنچه که لائوراوچاوالیری در این فصل از مقاله بدان وفادار بوده، نقل روایات و حکایات تردید برانگیز، ضعیف، غیر قابل باور و حتی مستند به آثار متاخر است. همچنین به نظر می‌رسد والیری برای اینکه مطالب این بخش از مقاله را مستند به اسناد و مدارک تاریخی و حدیثی گرداند، ناچار شده تا برخی از آثار معتابه و حائز اهمیت شیعه را نادیده بگیرد که در طول تاریخ کمتر محل مناقشه بوده اند. از طرفی خروجی تلاش‌های این شرق‌شناس اروپایی خلق همزمان دو شخصیت متفاوت از امام(ع) می‌باشد به نحوی که شخصیت افسانه‌ای امام(ع) می‌تواند با شواهد و قرائن علمی و منطقی مردود دانست که در نهایت منجر به اشکالات جدی در بحث از کرامات و معجزات امام(ع)، علم امام(ع)، عصمت و ... خواهد شد. در این میان، اقدامات بعضا خیرخواهانه برخی از محققین شیعه در نقل حداکثری و بدون نقد روایات مزبور یا دفاع یک سویه از این رویکرد، جایگاه این گزارشات را از حدّ یک گزارش روایی یا تاریخی معمولی فراتر برده چونان سخنگویی برای آموزه‌های عاشورایی مکتب شیعه معرفی نموده و برای مستشرقان با هرگونه

رویکرد و دیدگاهی، دستاویز مناسبی برای نقد مطالب دینی فراهم کرده است. از این نگاه خاورشناسان که بگذریم، برآیند دیگر تحقیقات آنان در اروپا، ارائه چهره‌ای تقلیل‌یافته از امام(ع) در میان پیروان دیگر ادیان، محدود کردن آن امام(ع) به چنین شخصیت فرابشری به‌واسطه نقل برخی از مطالب سخیف و ناپسند و همچنین محروم شدن از نقل مطالب بسیار مهم‌تر در زمینه سیره اهل‌بیت(ع) بوده است. پالایش علمی این مطالب امکانا می‌تواند تا حدودی از مشکلات عدیده‌ای که در تاریخ و سیره اهل‌بیت(ع) مشاهده می‌شود، جلوگیری نماید.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

منابع

- آلاندوزلی، محمد. کتابشناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا، نشریه آینه پژوهش، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۸۱.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار البیدار للنشر، ۱۳۶۹ق.
- _____، مناقب آل ابی طالب، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عدی الجرجانی، ابوالحمد. الکامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء. البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابومخنف، لوط بن یحیی. وقعة الطّلف، تحقیق شیخ محمد هادی یوسفی غروی، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۷.
- احمدی ندوشن، محمدرضا. حیات علمی امام علی (ع) از منظر اندیشمندان غیر مسلمان و مستشرقان، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳۱، ۱۳۹۰.
- اسعدی، مرتضی. مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- امین العاملی، سید محسن. أعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات المکتب، ۱۴۰۳ق.
- انصاری قمی، حسن. از ابوالقاسم کوفی تا نویسنده عیون المعجزات، نشریه کتاب ماه دین، شماره ۱۱۷-۱۱۸، ۱۳۸۶.
- باغستانی، محمد؛ صادقیان هرات، محمد. بررسی و نقد مدخل علی بن الرضا (ع) در دائرةالمعارف اسلام، نشریه مشکوة، شماره ۱۱۵، ۱۳۹۱.
- بدوی، عبدالرحمن. فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۵.
- بلاذری، احمد بن یحیی. أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
- بهرامیان، مسعود؛ حسینی قمصری، سید علی. زمینه‌ها و علل شکل‌گیری کتب دلائل، تاریخنامه خوارزمی، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- بیات، علی؛ عسکر، علی‌رضا. آنچه خود داشت... نقدی بر مقاله امام حسین (ع) در دایره‌المعارف اسلام، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۳۳، ۱۳۸۱.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

- پاکتچی، احمد. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل «ابن‌رستم طبری»، تهران، انتشارات بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۹.
- پیشوایی، مهدی. تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا(ع)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲.
- _____، نقد دیدگاه تاریخی یک شرق‌شناس، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۶، ۱۳۸۴.
- توران، امداد. حیات پیشین انسان از دیدگاه متکلمان بغداد، فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۶، ۱۳۹۳.
- جان‌احمدی، فاطمه. تصویر حضرت محمد و حضرت زهرا در دایرةالمعارف اسلام «ترجمه و نقد»، قم، نشر موسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
- جباری، محمدرضا. بررسی رخدادهای شگفت پس از شهادت امام حسین(ع)، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳، ۱۳۸۸.
- جعفریان، رسول. از ابومخنف تا بلاذری مروری بر ۸۹ روایت بلاذری درباره عاشورا، مقالات و رسالات تاریخی، شماره ۶، ۱۳۹۷.
- حائری مازندرانی، محمد مهدی. معالی السبطين، قم، منشورات صبح الصادق، ۱۴۲۵ق.
- حسینی، زینب السادات. روش‌شناسی کتاب مناقب آل ابی‌طالب و آسیب‌شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت، دوفصلنامه حدیث و اندیشه، شماره ۲۱، ۱۳۹۵.
- حسینی، سید عبدالله. معرفی و نقد منابع عاشورا، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
- خوش‌دل کاریجانی، میترا. دایرةالمعارف اسلام، نشریه کتاب ماه کلیات، شماره ۷۳-۷۴، ۱۳۸۲.
- دهخدا، علی اکبر. لغتنامه دهخدا، تهران، موسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- رفعت، محسن؛ رحمان‌ستایش، محمد کاظم. روایات عاشورایی انساب الأشراف بلاذری در میزان نقد و بررسی، نشریه حدیث‌پژوهی، شماره ۱۷، ۱۳۹۶.
- رنجبر، محسن. بازشناسی انتقادی دیدگاه‌های ابن‌کثیر دمشقی درباره واقعه عاشورا بر اساس کتاب «البدایة و النهایة»، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۵۱، ۱۴۰۰.
- سفیانی، عابد بن محمد. المستشرقون و من تابعهم و موقفهم من ثبات الشریعة شمولها، جده، دار المنار، ۱۴۱۲ق.

- سلطانی فر، محی الدین؛ رنجبر، محسن. بررسی اصالت اخبار غیر مسند کتاب دلائل الإمامة، نشریه شیعه پژوهی، شماره ۱۲، ۱۳۹۶.
- صادقی کاشانی، مصطفی. درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ نگاری اسلامی، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
- صحتی سردودی، محمد. عاشوراپژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)، قم، نشر خادم الرضا، ۱۳۸۵.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. أمالی شیخ صدوق، تهران، انتشارات کتابچی، بی تا.
- _____، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۷۶.
- صفار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
- صفری، مهدی. دانشنامه و دانشنامه نگاری؛ تاریخچه، روشها، نمونهها، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۹.
- صفری فروشانی، نعمت الله. حسین بن حمدان خصیبه و کتاب هدایة الکبری، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۸۴.
- _____، محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الإمامة، نشریه علوم حدیث، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۴.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ الرسل و الملوک، قاهرة، دار المعارف، بی تا.
- طبری الصغیر، محمد بن جریر [منسوب؟]. دلائل الإمامة، قم، موسسه البعثة، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن. تلخیص الشافی، قم، انتشارات محبین، ۱۳۸۲.
- عباسی، مهرداد؛ آقایی، سید علی. امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، مجله کتاب ماه دین، شماره ۷۴ و ۷۵، ۱۳۸۲.
- عدالت نژاد، سعید. دانشنامه جهان اسلام؛ مدخل «دائرة المعارف اسلام»، تهران، انتشارات بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- العقیقی، نجیب. المستشرقون، قاهرة، دار المعارف، ۱۹۶۴م.
- علم الهدی، سید مرتضی. رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم، بی تا.
- عمید، حسن. فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

- غضنفری، سعادت. بررسی و نقد مقاله «امام علی بن ابی‌طالب» دائرةالمعارف اسلام، پژوهش‌نامه علوی، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- فاطمی، سید حسن. منابع تحریف گستر در حادثه عاشورا، نشریه کتاب‌های اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۸۳.
- قرشی، محمد حسین. تاریخچه دائرةالمعارف نگاری در جهان، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۷، ۱۳۷۵.
- لطیفی، رحیم. گزارشی کوتاه از دائرةالمعارف اسلام و ترجمه‌های آن، نشریه معارف عقلی، شماره ۳، ۱۳۸۵.
- متقی هندی، علاء الدین. كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة الدرر أخبار الأئمة الأطهار، قم، مؤسسة إحياء الكتب الإسلامية، ۱۴۳۰ق.
- محمودپور، محمد. ترجمه و نقد و بررسی مدخل حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش سه گانه دائرةالمعارف اسلام چاپ لیدن، نشریه مطالعات تاریخی جهان اسلام، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰.
- _____، نقد و بررسی مدخل ابوطالب در ویرایش‌های سه گانه دائرةالمعارف اسلام چاپ لیدن، نشریه پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین. مکتب در فرایند تکامل، تهران، ترجمه هاشم ایزدپناه، انتشارات کویر، ۱۳۸۶.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، اوائل المقالات، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
- منصورآبادی، عباس؛ ریاحی، جواد. مفهوم‌شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲، ۱۳۹۱.
- موحدنیا، روح‌الله؛ پرچم، اعظم؛ حاجی اسماعیلی، محمدرضا. روش متقی هندی در نقل احادیث امامان شیعه (مورد مطالعه برخی از موضوعات کلامی اعتقادی)، نشریه علوم حدیث، شماره ۹۴، ۱۳۹۸.
- میرجانی، وحید؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله. نقد تاریخ نگاری ابن‌کثیر در کتاب «البدایة و النهایة» در زمینه تاریخ تشیع، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳۴، ۱۳۹۲.

- نوروزی، زهرا. بررسی زندگی نامه و آثار خانم دکتر لائورا وچاوالیری؛ اسلام شناس و شیعه شناس ایتالیایی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، انتشارات خاکریز، قم، ۱۳۸۸.
- واسعی، سید علی رضا. دائرة المعارف تاریخی فرهنگنامه مولفان اسلامی از آغاز تا ۳۰۰ هجری، تهران، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.

- ولوی، علی محمد؛ میرزایی مهرآبادی، زینب. واکاوی انتقادی بازتاب وفات امام حسن (ع) در آثار اسلام شناسان غربی، نشریه شیعه شناسی، شماره ۴۶، ۱۳۹۳.
- هدایت پناه، محمدرضا. تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام «ترجمه و نقد»، قم، نشر موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۱۰۳

- Buhl, Frants and Roded, Ruth (2000). *Umm Al-Kitab*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- Daniel, Elton (1998). Encyclopaedia of Islam, Encyclopaedia Iranica, Online
- Honigmann, Ernst (1997). *Karbala*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- Hornby, Albert Sidney (1987). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, Oxford, Oxford University Press.
- Kramer, Martin (1986). *Islam Assembled: The Advent of Muslim Congresses*, Colombia University Press, New York
- Lammens, Henri (1927). *Al-Husain*, Encyclopaedia of Islam: First Edition, Brill, Leiden.
- Madelung, Wilfred (1997). *Ismailiyya*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- Modarressi, Hossein (1993). *Crisis and consolidation in the formative period of Shi'it Islam*, The Darwin press, New Jersey.
- Vaglieri, Laura Veccia (1986). *Al- Hasan B. Ali B. Abu- Talib*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- _____, (1986). *Al- Husain B. Ali B. Abu- Talib*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- _____, (1991). *Fatima*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.
- _____, (1986). *Ibn Al- Ash' Ath*, The Encyclopaedia of Islam: New Edition, Brill, Leiden.

سایتها

- بررسی های تاریخی؛ مقالات و نوشته های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام (کاتبان):

تاریخ مراجعه به سایت: ۱۸ آذرماه ۱۴۰۱ هجری شمسی

- <https://ansari.kateban.com/post/3292>